

دکتر کریگ کینر، اعمال رسولان، سخنرانی ۷

اعمال رسولان ۱-۲

کریگ کینر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر کریگ کینر هستم در حال تدریس در مورد کتاب اعمال رسولان. این جلسه هفتم، اعمال رسولان فصل‌های اول و دوم است.

فصل‌های اول و دوم اعمال رسولان در مورد قدرت شهادت به ما می‌آموزند.

آنها تأکید و توانمندسازی برای شهادت بین فرهنگی را معرفی می‌کنند که برای بقیه کتاب اعمال رسولان بسیار مهم است. اعمال رسولان ۱:۸ در این امر محوری است. همه آثار باستانی در ابتدا دارای بیانیه پایان نامه یا چیزی شبیه به آن نبودند، اما گاهی اوقات چنین چیزی داشتند.

و کتاب اعمال رسولان یکی از آن آثاری است که این کار را انجام می‌دهد. در اعمال رسولان، فصل اول و آیه هشتم، هنگامی که روح بر شما نازل شود، تا اقصی نقاط زمین شاهد خواهید بود. حال، اعمال رسولان اول و دوم، خلاصه‌ای از لوقا ۲۴، محور بین لوقا و اعمال رسولان، هستند.

بنابراین، این یک بخش بسیار استراتژیک است و به ما نشان می‌دهد، و تأکید اصلی لوقا-اعمال رسولان، یعنی توانمندسازی روح، را برای ما برجسته می‌کند که مأموریت عیسی باید توسط پیروانش انجام شود. بدیهی است که نه مأموریت او برای مردن برای جهان، برای نجات جهان، بلکه مأموریت او برای ارائه فیض به جهان و انتشار مژده آنچه عیسی انجام داده است. ما این را در اعمال رسولان فصل‌های اول و دوم می‌بینیم.

در فصل اول، آیات چهار تا هشت، درباره وعده پنطیکاست می‌خوانیم. در ۱:۱۲-۲۶، درباره آمادگی برای پنطیکاست، از جمله دعا و رهبری، می‌خوانیم. در ۲:۱-۴، دلایل پنطیکاست را بیان می‌کنیم.

قوم پنطیکاست ۲:۱۷-۲۱، پیشگویی پنطیکاست ۲:۲۲-۴۰، موعظه پنطیکاست ۱۲-۲:۵.

و آیات ۴۱ تا ۴۷، هدف پنطیکاست. اول از همه، با نگاهی به وعده پنطیکاست، این مورد را با جزئیات بیشتری نسبت به سایر موارد بررسی خواهیم کرد. وعده پنطیکاست آنقدر مهم است که عیسی می‌گوید، در اورشلیم بمانید و منتظر وعده پدر باشید.

منتظر قدرت روح ماندن مهم‌تر از این است که فقط بیرون برویم و سعی کنیم آن را به تنهایی انجام دهیم، زیرا بدون قدرت او نمی‌توانیم در مأموریت مسیح موفق شویم. در واقع، معمولاً هر کاری که او از بسیاری جهات ما را به انجام آن فرا می‌خواند، کاری است که ما نمی‌توانیم با قدرت خودمان انجام دهیم. بنابراین، یاد می‌گیریم که به جای قدرت خودمان، به قدرت او تکیه کنیم.

شاگردان در آیه ششم سؤال واضحی می‌پرسند. عیسی درباره پادشاهی خدا صحبت می‌کرد. او درباره روح القدس صحبت می‌کرد.

خب، نزول روح القدس با احیای اسرائیل در آخرالزمان مرتبط بود. شما این را در اشعیا ۴۴:۳ می‌بینید. شاید در اشعیا ۶۱، شاید ۵۹ هم دارید. در حزقیال ۳۶، ۳۷ و ۳۹ هم دارید.

شما آن را در یوئیل باب دوم و غیره دارید. بنابراین، عیسی در مورد روح صحبت می‌کند. او در مورد پادشاهی صحبت می‌کند.

و شاگردان این سؤال واضح را می‌پرسند که آیا اکنون زمان آن رسیده است که پادشاهی را به اسرائیل بازگردانی؟ و عیسی با گفتن این جمله پاسخ می‌دهد که خب، هنوز برای شما نیست که زمان‌ها یا فصول را بدانید. کمال پادشاهی فرا خواهد رسید، آیه هفت. اما روح اکنون داده خواهد شد، آیه هشت، تا جهان را از قبل آماده کند، تا شاهدان را از قبل آماده کند.

این روح با آخرالزمان مرتبط بود. بنابراین، پیروان عیسی باید زندگی عصر آینده را به نمایش می‌گذاشتند. این مانند این است که به شاگردان اشاره کنیم و بگوییم که شما پیش‌درآمدی از جهان آینده دارید.

و اگر جهان اطراف نمی‌تواند به کلیسا نگاه کند و ببیند بهشت چگونه خواهد بود، یا ببیند دنیای جدید چگونه خواهد بود، به این دلیل است که کلیسا از حق ذاتی خود که همانا تولد است، محروم است. زیرا عیسی روح و پیش‌درآمد عصر آینده را به ما داده است. و البته، ما این را در سراسر عهد جدید می‌بینیم، آن «تأکید بر» از قبل، نه هنوز.

پادشاهی که قرار است بیاید، همین الان آمده است. بنابراین، ما منتظر آمدن دوباره او هستیم، اما او یک بار آمده است. ما منتظر رستاخیز مردگان هستیم.

اما شاگردان توانستند در عیسی، رستاخیز از مردگان را موعظه کنند، اعمال رسولان ۴:۴، زیرا عیسی پیش از آن زنده شده بود، اولین میوه‌ها، اول قرن‌تین ۱۵ می‌گوید، نخست‌زاده از میان مردگان. ما ارتباط با روح را در جای دیگری می‌بینیم. عبرانیان فصل ششم می‌گوید که ما روح را دریافت کرده‌ایم، ما روح را چشیده‌ایم، و ما قدرت‌های عصر آینده را چشیده‌ایم.

غلاطیان ۱:۴، ما از این عصر شیطانی حاضر رهایی یافته‌ایم. رومیان ۲:۱۲، با این عصر مطابقت نداشته باشید، اما متونی که در واقع مستقیماً به روح در آن ارتباط اشاره کرده‌اند. ما اولین ثمرات روح را داریم، رومیان ۸:۲۳. ما پیش‌پرداخت را داریم.

که در اسناد تجاری استفاده می‌شود، به معنی اولین قسط واقعی، ahrebon، این یک کلمه یونانی است، اولین پرداخت. ما آغاز ارث آینده خود را داریم. افسسیان ۱، همچنین دوم قرن‌تین ۱، دوم قرن‌تین ۵، ما پیش‌پرداخت ارث آینده خود را داریم.

پولس در اول قرن‌تین فصل دوم، آیات ۹ و ۱۰ می‌گوید: چشم نمی‌بیند، گوش نمی‌شنود و به دل انسان خطور نمی‌کند، بلکه چیزهایی است که خدا برای دوستداران خود آماده کرده است، اما خدا آنها را به وسیله روح خود بر ما آشکار کرده است. «بنابراین، به وسیله روح، ما پیش‌زمینه‌ای از جهان آینده داریم و جهان باید بتواند به ما نگاه کند و ببیند که جهان آینده چگونه خواهد بود، نمونه‌ای از آنچه جهان آینده باید باشد. عیسی گفت وقتی روح بر شما نازل شود، قدرت خواهید یافت.

ما قبلاً در مقدمه در مورد این موضوع صحبت کردیم که در لوقا، در انجیل و در کتاب اعمال رسولان قدرت منحصر به معنای شفا و بیرون راندن شیاطین نیست، بلکه اغلب با آن مرتبط است. بنابراین، در نهایت این همان چیزی است که برخی آن را بشارت قدرت نامیده‌اند. یعنی خدا کلام خود را با قدرت پشتیبانی می‌کند.

به همین دلیل است که ما در کتاب اعمال رسولان نشانه‌ها و شگفتی‌هایی می‌بینیم که توجه مردم را به این موضوع جلب می‌کند. شاید شنیده باشید که من در مقاطع مختلف مدام به این موضوع اشاره می‌کنم که همیشه شاهد چنین اتفاقی نیستیم، اما اگر در جایی هستید که این اتفاق همیشه می‌افتد، لطفاً شکایت نکنید. فقط از آن شاد باشید.

اما این قدرت با روح مرتبط است. عهد عتیق اغلب روح را با پیامبران و با گفتار نبوی و گاهی انواع دیگر اعمال نبوی مرتبط می‌دانست. یهودیت اولیه به ویژه این ارتباط را برقرار می‌کرد.

این همان چیزی بود که آنها بیشترین توسعه را در آن ایجاد کردند. برخی دیگر از ارتباطات روحی در جاهای دیگر نیز ظاهر می‌شوند. و به ویژه در طومارهای دریای مرده و جشن‌های یوبیل، چیزهایی که احتمالاً با اسن‌ها مرتبط هستند.

این منابع، روح را زیاد با تطهیر مرتبط می‌دانند، اما به توانمندسازی نبوی نیز اشاره می‌کنند. و سایر منابع یهودی در همه جا، روح را در ارتباط با توانمندسازی نبوی ذکر می‌کنند. بنابراین، وقتی عیسی می‌گوید که شما از روح قدرت خواهید گرفت، گویی به شاگردان نگاه می‌کند و می‌گوید، شما مانند حزقیال خواهید بود.

تو مثل ارمیا خواهی بود. تو مثل اشعیا خواهی بود. تو مثل هولدا یا مریم یا دبورا یا دانیال خواهی بود.

به ما انواع مختلفی از عطایا داده شده است. در عهد عتیق انواع مختلفی از پیامبران وجود داشتند، مانند الیاس. اما همان قدرتی که به پیامبران قدیم داده شده بود، به ما نیز داده شده است تا عیسی را به جهانیان بشناسانیم.

عیسی می‌گوید که آنها تا اقصی نقاط زمین شاهد خواهند بود. این عبارت منعکس کننده‌ی اشعیا است. و جای تعجب نیست که منعکس کننده‌ی کتاب مقدس باشد، زیرا لوقا ۲۴، هنگامی که این مأموریت را می‌دهد، با استفاده از زبانی که قبلاً در کتاب اشعیا آمده است، در مورد قدرت از بالا صحبت می‌کند.

می‌گوید که عیسی این را بر اساس کتاب مقدس تعلیم می‌داد. بنابراین، لازم نیست این نکته را تکرار کند و بگوید که این موضوع در اعمال رسولان ۱ بر اساس کتاب مقدس است تا مردم متوجه شوند که بله، این موضوع بر اساس کتاب مقدس است. آنها شاهدان خدا خواهند بود.

اشعیا ۴۳:۱۰، اشعیا ۴۴:۸، شاهدان یهوه. اما اینجا، شاهدان چه کسانی هستند؟ عیسی می‌گوید شما شاهدان من خواهید بود. این کاملاً با مضمون الهی بودن عیسی مطابقت دارد.

البته، شما این را خیلی زود در انجیل لوقا معرفی کرده‌اید. حتی وقتی یحیی تعمید دهنده برای موعظه می‌آید، نقل قول از اشعیا ۴۰:۳ است، صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند، راه را برای خدای ما آماده کنید. خداوند را آماده کنید، راه خداوند، که به راه یهوه اشاره دارد.

و سپس در ادامه درباره همه انسان‌ها، از جمله غیریهودیان، صحبت می‌کند. به عبارت دیگر، دیدن نجات خدای ما. خب، در اینجا، اعمال رسولان ۱:۸، یک پیام مسیح‌شناسی بسیار واضح دارد، از جمله اینکه عیسی الهی است.

و مأموریت ما این است که این مأموریتی را که در کتاب اشعیا به قوم خدا گفته شده است، ادامه دهیم. وقتی آنها روح را دریافت می‌کنند، شاهد خواهند بود. و ارتباط با روح نیز در آن بخش از اشعیا وجود دارد.

و این تا اقصی نقاط زمین خواهد بود، همانطور که عیسی در اعمال رسولان ۸:۱ می گوید. خوب، این می تواند چندین متن را منعکس کند، اما به طور خاص، اشعیا ۴۹:۶ را منعکس می کند که در مورد مأموریت تا اقصی نقاط زمین، نوری تا اقصی نقاط زمین صحبت می کند. و این در واقع در اعمال رسولان ۱۳:۴۷ نقل شده است، جایی که به خدمت خود پولس اشاره دارد. این فقط برای آن ۱۲ نفر نیست.

حال، عیسی در اینجا مستقیماً به آن ۱۲ نفر اشاره می کند، نه ۱۱ نفر. یهودا مرده است، اما او فقط به آن ۱۱ نفر اشاره نمی کند. اگر به انتهای لوقا فصل ۲۴ نگاه کنید، صحبت از ۱۱ نفر و کسانی است که با آنها ۱۱ بودند.

بنابراین، از ابتدا کمی بزرگتر از این است. کسانی که مستقیماً شاهد نامیده شدند، به ویژه کسانی که با عیسی بودند. آن ۱۱ نفر، کسی که جایگزین یهودا می شود، نیز یکی از آن ۱۲ نفر می شود.

آنها در ابتدا شاهد این امور بودند، اما پولس نیز در کتاب اعمال رسولان شاهد نامیده شده است. استیفان نیز در کتاب اعمال رسولان شاهد نامیده شده است. علاوه بر این، روح القدس نه تنها به آن ۱۲ نفر داده شده است، بلکه به همه مؤمنان داده خواهد شد تا این مأموریت را انجام دهند.

و شما این را به وضوح در اعمال رسولان فصل ۲ آیات ۳۸ و ۳۹ می بینید، با استفاده از همان زبانی که ما اینجا در این زمینه داریم، جایی که شما هدیه روح را دریافت می کنید، آنچه وعده داده شده است را دریافت می کنید و غیره. خوب، این یک موضوع اصلی در اعمال رسولان را معرفی می کند. انجیل گسترش یافت و شما این را از طریق خلاصه اظهارات در سراسر کتاب اعمال رسولان می بینید.

خداوند روزانه به این تعداد اضافه می کرد، ۲۴۷ نفر. کلام خدا پخش می شد، ۶۷ نفر. تعداد اعضای کلیسا به ۹۳۱ نفر می رسید.

این کلمه همچنان در حال افزایش بود، ۱۶۰۵. کلیساها روزانه از نظر تعداد افزایش می یافتند، در ۱۲۲۴، این کلمه گسترش یافت و رشد کرد، ۲۸۳۱. ۱۹۲۰.

او بدون هیچ مانعی موعظه می کرد. اینها نشان دهنده رشد کلیسا در اورشلیم، فراتر از مرزهای طبقاتی، در یهودیه و جلیل، و فراتر از آن در یهودیه، در جنوب آسیای صغیر، در افسس شهری، در روم و غیره است. این فقط نشان می دهد که چگونه مژده منتشر می شود.

حتی طرح کلی واضح تری را در اعمال رسولان، فصل ۱ و آیه ۸ داریم، اما این طرح کلی بسیار کلی است. قرار نیست طرح کلی دقیقی باشد، اما اعمال رسولان، فصل ۱ و آیه ۸، خلاصه ای از مسیری که انجیل به آن می رود را ارائه می دهد. اورشلیم، فصل های ۱ تا ۷، یهودیه و سامره، فصل های ۸ و ۹، و سپس تا اقصی نقاط زمین، همه جا فراتر از آنجا، فراتر از سرزمین مقدس در فصل های ۱۰ تا ۲۸، جایی که به ویژه تحت سلطه مأموریت دیاسپورا است، جایی که پولس برجسته ترین چهره است.

غیریهودیان در فصل های ۱۰ و ۱۱، که پیش از این در فصل ۸ به آنها اشاره شده بود، قبرس و جنوب ترکیه در فصل های ۱۳ و ۱۴، که بسیاری آن را مرکز الهیات کتاب می دانند، فصل ۱۵، آسیا و یونان، ۱۶ تا ۲۰، و سپس در مسیر روم از طریق اورشلیم و قیصریه در ربع آخر، ۲۱ تا ۲۸. از نظر جغرافیایی، نکته بسیار مهم این است که انجیل لوقا با معبد اورشلیم آغاز و پایان می یابد. از رؤیایی که زکریا در معبد دید و شاگردانی که در معبد اورشلیم در پایان لوقا ۲۴ دعا کردند.

اما کتاب اعمال رسولان از اورشلیم، جایی که انجیل لوقا متوقف شده بود، به روم می‌رود. و یک دلیل الهیاتی برای این وجود دارد. از نظر الهیاتی، می‌توانیم بگوییم که لوقا-اعمال رسولان از میراث به رسالت منتقل می‌شوند.

ابتدا اطمینان حاصل می‌کند که همه چیز ریشه در میراث دارد، به طوری که شما متوجه می‌شوید که انجیل در جایی که پیش بینی شده است، جاری می‌شود. این چیزی است که قبلاً در تاریخ اسرائیل که پیش از آن آمده بود، ریشه داشت. اما این تاریخ اسرائیل، بدون کنار گذاشتن تاریخ اسرائیل، بدون کنار گذاشتن میراث، فراتر از آن به سمت مأموریت نیز حرکت می‌کند.

حال، برای مخاطبان لوقا که در امپراتوری بودند، رسیدن به قلب امپراتوری نقطه اوج مهمی برای کتاب اعمال رسولان بود. اما در واقع کتاب اعمال رسولان پایان باز دارد. در آن آمده است که انجیل تا اقصی نقاط زمین می‌رود.

انتهای زمین کجاست؟ خب، در آن زمان چیزهای مختلفی به عنوان انتهای زمین نامگذاری شده بودند. تصور می‌شد انتهای غربی زمین اسپانیا و رودخانه اقیانوس باشد که تصور می‌شد کل زمین را احاطه کرده است. اگرچه برخی از مردم چیزهایی را در غرب‌تر از اسپانیا و حتی برخی چیزها را در غرب‌تر از آنچه رودخانه اقیانوس می‌دانستند، می‌شناختند.

در شرق، پارت، هند و چین وجود داشتند. ارتباطات تجاری با چین وجود داشت. آنها مکان‌هایی مانند آن را می‌شناختند.

بنابراین، آنها از قبل می‌دانستند که این شامل مکان‌هایی مانند هند و چین می‌شود. در شمال، مکان‌هایی مانند سکاها، که بخشی از آن جایی است که روسیه، آلمان و بریتانیا قرار دارند. در جنوب، آنها از آفریقا، جنوب مصر، اطلاع داشتند.

روابط تجاری تا جنوب تانزانیا وجود داشت. آنها در واقع یک مجسمه نیم تنه از سزار را در آن جنوب پیدا کرده‌اند. پادشاهی نوبیایی مروئه در فصل هشتم، آیه ۲۹، ظاهر می‌شود، یک پادشاهی بسیار قدرتمند در جنوب مصر که روم از آن خبر داشت و روم خود را قادر به تسلیم شدن نیافت و فقط مجبور شد با آن روابط تجاری برقرار کند و پیمان صلح ببندد.

بنابراین، آنها از اقصی نقاط زمین فراتر از روم خبر داشتند. آنها از آمریکای شمالی و جنوبی و مرکزی چیزی نمی‌دانستند. بنابراین، آنها از نیمکره‌ای که من در آن زندگی می‌کنم خبر نداشتند، اما می‌دانستند که فراتر از روم است.

روم برای مخاطبان لوقا مهم است، اما روم پیشگویی پیش‌درآمد اقصی نقاط زمین است. درست مانند ایمان آوردن مقام آفریقایی در اعمال رسولان فصل هشتم، پیشگویی رسیدن انجیل به اقصی نقاط زمین است. درست مانند اعمال رسولان فصل دوم، که در آن یهودیان از هر ملتی در زیر آسمان حضور دارند، این پیشگویی انجیل است که به اقصی نقاط زمین خواهد رسید.

بنابراین، لوقا مدام وعده‌های آینده را به ما یادآوری می‌کند. این مأموریت بی‌پایان است و تا به امروز ادامه دارد.

کتاب اعمال رسولان پایانی باز دارد. به آینده باز می‌شود. اگرچه لوقا فقط دو جلد دارد، می‌دانیم که تاریخ ادامه داشته است.

خب، یک توهّم کتاب مقدسی دیگر در اعمال رسولان، فصل اول، آیات ۹ تا ۱۱ وجود دارد. عیسی به آسمان صعود می‌کند. خب، یونانی‌ها داستان‌هایی از صعود مردم به آسمان گفتند، رومی‌ها این کار را کردند، و یهودیان هم همین کار را کردند، اما در عهد عتیق، قبل از اینکه یهودیان با این چیزهای دیگر آشنا شوند، چنین چیزی وجود دارد.

و این همان چیزی است که مخاطبان لوقا با آن بیشترین آشنایی را دارند، زیرا در کتب مقدس آنها وجود دارد. در کتاب مقدس است. این چیزی است که آنها مرتباً شنیده‌اند.

الیاس به آسمان صعود کرد. و وقتی این کار را در دوم پادشاهان، فصل دوم انجام داد، چه اتفاقی افتاد؟ او دو برابر روح خود را برای الیشع به جا گذاشت. بنابراین، عیسی در فصل اول، آیات نه تا یازده، به آسمان صعود می‌کند، اما او به شاگردان همان روحی را که به او قدرت بخشیده بود، وعده داده است، اعمال رسولان ۳۸: ۱۰، لوقا ۴: ۱۸، همان روحی که عیسی را مسح کرد، اکنون همان روحی است که قرار است کلیسا را برای انجام مأموریت ما توانمند سازد.

و همانطور که الیشع مأموریت الیشع را انجام می‌داد، ما نیز باید مأموریت عیسی را ادامه دهیم. باز هم، نه برای مردن برای گناهان جهان، بلکه برای کارهایی که روح به عیسی قدرت انجام آنها را داد، از جمله آوردن شفا و رفاه به مردم و موعظه مژده پادشاهی. بنابراین، ما بخشی در مورد آمادگی برای پنتیکاست داریم.

من قصد ندارم به این بخش زیاد بپردازم، اما آنها باید ساختار رهبری را دوباره برقرار کنند زیرا رسوایی داشته‌اند. یکی از رهبران سقوط کرده و در نهایت نیز درگذشته است. آنها باید با ایمان به اینکه خدا از آنها استفاده خواهد کرد، آماده شوند.

درست همانطور که به داوود اجازه داده نشد معبد را بسازد، اما او مصالحی را انبار کرد تا سلیمان بتواند معبد را بسازد. هنوز زمان رفتن آنها فرا نرسیده است، اما آنها با ایمان به اینکه خدا قرار است احیای موعود را محقق کند، آماده می‌شوند. بنابراین، آنها مطمئن می‌شوند که شاگرد دوازدهم منصوب شود.

بنابراین، آنها به عددی که باید باشند برمی‌گردند، زیرا عیسی گفت، شما بر ۱۲ تخت خواهید نشست و ۱۲ قبیله اسرائیل را داوری خواهید کرد. همچنین، آنها در آیه ۱۴ با هم دعا می‌کنند. شما هم مردان و هم زنان را دارید که با هم دعا می‌کنند و آنها قبل از نزول روح دعا می‌کنند.

همانطور که در مقدمه دیدیم، این مضمون در سراسر لوقا دهم جریان دارد. می‌دانم که احتمالاً برخی از شما مقدمه را نمی‌خواستید. می‌خواستید مستقیماً وارد متن شوید و بنابراین از مقدمه صرف نظر کردید. اگر این کاری است که می‌خواستید انجام دهید، اشکالی ندارد.

اما به طور خلاصه، این موضوعی است که بارها و بارها در لوقا دهم آمده است، اما به ویژه از نظر دعا قبل از نزول روح القدس اهمیت دارد. این موضوعی است که در لوقا دهم مکرراً تکرار می‌شود. روح القدس هنگامی که عیسی در غسل تعمیدش دعا می‌کند، بر او نازل می‌شود. همچنین در اینجا دعا کردن آنها و سپس ریختن روح القدس در اعمال رسولان، فصل دوم را می‌بینید.

در اعمال رسولان فصل چهارم، آنها دعا می‌کنند و از روح القدس پر می‌شوند تا بتوانند به مأموریت خود ادامه دهند. در اعمال رسولان فصل هشتم، آنها برای سامریان دعا کردند تا روح القدس را دریافت کنند و روح القدس بر سامریان نازل شد. دعا همچنین در اعمال رسولان ۹ و ۱۰ مقدم بر نزول روح القدس است.

اگرچه این ارتباط در این موارد توسط لوقا به صراحت بیان نشده است، اما در هر دو مورد به آن اشاره شده است.

البته این تنها راهی نیست که خدا روحش را جاری می‌کند. در واقع، در اعمال رسولان ۱۰، پطرس وقتی این اتفاق می‌افتد، کمی متعجب می‌شود، هرچند که او قبل از وقوع همه چیز دعا می‌کرد، همانطور که کرنلیوس قبل از وقوع دعا می‌کرد، اما آنها به طور خاص برای جاری شدن روح دعا نمی‌کردند. من معتقدم از بین تمام چیزهایی که در نوشتن تفسیر تقریباً ۴۰۰۰ صفحه‌ای اعمال رسولان، هنگام مطالعه کتاب اعمال رسولان متوجه شدم، شاید مهمترین نکته برای کلیسای امروز یا حداقل بخش بزرگی از کلیسای امروز، همین باشد.

خدا روح خود را در کتاب اعمال رسولان ریخت. کاملاً واضح است که کلیسا برای انجام مأموریتی که خدا به ما داده است به روح نیاز دارد. ما نمی‌توانیم این کار را به تنهایی انجام دهیم.

این خداست که آن را چند برابر می‌کند. این خداست که آن را به حساب می‌آورد. این خداست که آن را بارور می‌سازد.

پیش‌نیاز اصلی، شاید نه پیش‌نیاز، اما مهم‌ترین آمادگی که می‌توانیم قبل از نزول روح‌القدس ارائه دهیم، دعا است. اگر می‌خواهیم شاهد حرکت خدا باشیم، بیایید از او بخواهیم زیرا او به ما قول داده است، عیسی در لوقا ۱۱:۱۳ به ما قول داده است. در متی، اگر هدایای خوب بخواهید، پدرتان به شما هدایای خوب خواهد داد. اما لوقا بر یک هدیه به خصوص خوب تمرکز می‌کند.

اگر نان بخواهی، پدرت سنگی به تو نخواهد داد. پس چقدر بیشتر، اگر تو شیر هستی و به فرزندان هدایای نیکو نمی‌دهی، چقدر بیشتر پدر آسمانی روح‌القدس را به کسانی که از او درخواست می‌کنند، خواهد داد؟ بیایید از او بخواهیم که روحش را بر ما بریزد. بیایید از او بخواهیم که روحش را بر کلیسایش در سراسر جهان بریزد تا کارگران را برای برداشت محصولش بفرستد، همانطور که به ما دستور داده است برای آن دعا کنیم.

بسیاری از زائران برای روز پنطیکاست در معبد جمع می‌شدند. و بنابراین، این یک زمان استراتژیک بود که بسیاری از مردم در آنجا جمع می‌شدند. و در فصل دوم، آیات دو تا چهار، کل آن بخش را قبل از اینکه به نوعی در قالب دعا بیان شود، داریم.

حواریون در اوایل آن بخش دعا می‌کنند. و فصل دوم و آیه اول، همه آنها در یک مکان و با یکدل جمع شده‌اند. آنها چه می‌کنند؟ خب، احتمالاً آنها هنوز در حال دعا هستند.

ممکن است مردم در حال رفت و آمد بوده باشند، اما جلسه دعا هنوز ادامه دارد. اما در فصل دوم، آیات دو تا چهار، شواهدی از پنطیکاست را می‌بینیم که در آن روح‌القدس نازل می‌شود. در فصل دوم و آیه دوم، صدای باد شدید و خروشانی را می‌شنوید که تداعی کننده یک تجلی الهی است.

اغلب وقتی خدا خود را در عهد عتیق آشکار می‌کند، چیزی شبیه صدای باد می‌شنوید. همچنین، ممکن است در حزقیال ۳۷ با زندگی رستاخیزی، زندگی رستاخیزی آخرالزمانی مرتبط باشد. خدا روح خود، روح خود را مانند بادی می‌فرستد تا استخوان‌های خشک قوم خود را زنده کند و باعث احیای قوم خود شود.

بنابراین، شما باد را دارید. همچنین در آیه سوم از فصل دوم آتش را دارید. آتش دوباره تداعی کننده یک تجلی الهی است، که اغلب با آشکار شدن جلال خدا در عهد عتیق مانند آتش ظاهر می‌شود.

اما همچنین، آتش نیز مرتبط است، مانند اشعیا ۶۶ و غیره، به نظر می‌رسد آتش با داوری آخرالزمانی مرتبط است، چیزی که مفسران در قرن اول آن را به عنوان داوری آخرالزمانی درک می‌کردند. این موارد در فوران‌های بعدی روح در کتاب اعمال رسولان تکرار نمی‌شوند. آنها در اینجا مهم هستند زیرا نشان می‌دهند که خدا در حال ظهور است.

آنها همچنین پیش‌زمینه‌ای از آینده، پیش‌زمینه‌ای از آخرالزمان را نشان می‌دهند، اما در نزول‌های بعدی روح در کتاب اعمال رسولان تکرار نمی‌شوند. این به آن معنا نیست که آنها هرگز نمی‌توانند تکرار شوند. آنها در برخی از نزول‌های روح در گذشته تکرار شده‌اند.

باد آمد و من حتی معتقدم که آتش شاید در زمان فوران روح در آغاز احیای تیمور غربی در اندونزی شعله‌ور شد. همچنین در اوایل دهه اول قرن بیستم، حدود سال ۱۹۰۴، در پرورشگاه پاندیتا رامابای در هند، آتشی همراه با فوران روح وجود داشت. اما سومین نشانه‌ای که در این مورد داده شده است این است که آنها شروع به دعا به زبان‌ها می‌کنند.

آنها شروع به صحبت به زبان‌های دیگر می‌کنند و زبان‌ها از نظر لوقا مهم‌ترین این سه مورد است، زیرا در اولین ابراز محبت در فصل ۱۰، آیه ۴۶ و فصل ۱۹، آیه ۶ تکرار می‌شود. همچنین به وضوح مهم است زیرا، در اینجا کاتالیزوری برای مخاطبان چندفرهنگی فراهم می‌کند. این توجه مردم را جلب می‌کند و در این مورد توجه مردم را از نظر فرهنگی نیز جلب می‌کند. یهودیان از همه این مکان‌های مختلف، به طور ثانویه بخشی از فرهنگ‌های متنوع هستند.

همچنین پیام پطرس را تنظیم می‌کند زیرا می‌گوید وقتی این صدا شنیده شد، مردم گفتند، این به چه معناست؟ و پطرس می‌گوید، منظور یوئیل همین بود وقتی گفت، روح خود را بر تمام بشر خواهم ریخت. پسران و دختران تو نبوت خواهند کرد. خب، این به موضوع اعمال رسولان در فصل اول، آیه هشتم مربوط می‌شود.

شما می‌گویید، این چطور است؟ پطرس آن را در ۲:۱۷ تفسیر می‌کند و ۲:۱۸ همان روح نبوت است که یوئیل درباره آن صحبت کرد. اعمال رسولان، فصل اول، در آیه هشتم، درباره روحی صحبت می‌کند که ما را برای شهادت دادن توانمند می‌سازد. اینها چگونه به هم مرتبط هستند؟ به یاد داشته باشید که در اعمال رسولان، فصل اول، در آیه هشتم، درباره شهادت چه می‌گوید.

این کلام الهام‌شده‌ای است که از روح الهام گرفته شده است. این کلام نبوی است که با آیات ۱۷ و ۱۸ مطابقت دارد، اما در عین حال اورشلیم، یهودیه، سامره و تا حد زیادی بیشتر نقاط زمین را در بر می‌گیرد. این کلام، کلامی بین فرهنگی است.

چه نشانه بزرگتری از این می‌توانست به کلیسایش بدهد که او آنها را قادر می‌سازد تا از تمام موانع فرهنگی عبور کنند، جز اینکه در روز پنطیکاست مردم را قادر سازد تا به زبان‌های دیگر مردم، خدا را پرستش کنند؟ چه راه بزرگتری می‌توانست به آنها نشان دهد که هدف من از توانمندسازی شما با روح نبوت همین است؟ نه برای اینکه خودتان را سرگرم کنید، بلکه من شما را با روح نبوت توانمند می‌کنم تا شما را به اقصی نقاط زمین بفرستم. این هدف از ریزش روح است. حال، اگر به تاریخ بحث‌های مربوط به این موضوع در قرن گذشته یا بیشتر نگاه کنید، انجیلی‌های رادیکال اواخر قرن نوزدهم، بر تقدس و مأموریت‌ها و شفا تأکید می‌کردند.

این یک جنبش بین فرقه‌ای بود. بخش زیادی از آن از متدیسم سرچشمه می‌گرفت، اما در این برهه، در بین پرسپیتری‌ها گسترش یافت. در میان کلیساهای مختلف زیادی رواج یافت.

تأکید بر تقدس، مأموریت‌ها و شفا. و بسیاری به دنبال چیزی بودند که آن را تعمید در روح القدس می‌نامیدند. من واقعاً در اعمال رسولان ۱:۴-۵ به این معنی نپرداختم.

نمی‌دانم می‌توانم بدون پرداختن به موضوعات مختلف، به طور خلاصه به این موضوع بپردازم یا نه. به طور سنتی، کلیساهای اصلاح‌شده گفته‌اند که تعمید در روح القدس نشان دهنده‌ی تغییر کیش است. و به نظر می‌رسد که در اول قرن‌تین ۱۲:۱۳ نیز از این عبارت استفاده شده است، جایی که فرد توسط روح در بدن مسیح تعمید می‌یابد.

به طور سنتی، کلیساهای وسلی و کلیساهای مقدس و پنطیکاستی گفته‌اند که این امر به چیزی مربوط می‌شود که پس از گرویدن به مسیح اتفاق می‌افتد. و آنها در کتاب اعمال رسولان به افرادی که پس از گرویدن به مسیح، تجربه‌هایی با روح القدس داشته‌اند، اشاره کرده‌اند. به یاد داشته باشید که این به آنچه یحیی تعمید دهنده پیشگویی کرده بود، برمی‌گردد.

یحیی تعمید دهنده هم در متی ۳ و هم در لوقا ۳ از تعمید در روح القدس و در آتش صحبت کرد. و در متن، شما بین این دو تضاد دارید. احتمالاً، مردم یا در روح القدس تعمید می‌گیرند یا در آتش. من وقت ندارم. که به همه این موارد بپردازم.

اما اگر به متن نگاه کنید، آتش به وضوح تعمید در تقدس نیست، اگرچه همه ما اهمیت تقدس را تأیید می‌کنیم. اما وقتی در مورد تعمید در آتش صحبت می‌شود، خودتان به متن نگاه کنید. وقتی فرصت داشتید، متن در مورد آتش داوری صحبت می‌کند.

در واقع، در متی، آیه قبل و آیه بعد از آن، هر دو از داوری صحبت می‌کنند. در لوقا، کمی پراکنده‌تر است اما هنوز هم کاملاً واضح است. دو آیه‌ای که در مورد آتش صحبت می‌کنند، در واقع در مورد داوری صحبت می‌کنند.

بنابراین، یا روح القدس را دریافت می‌کنید یا آتش را. این ممکن است نشان دهد که به تغییر مذهب اشاره دارد. در عین حال، یحیی تعمید دهنده نیز آگاه بود، همانطور که یوئیل نبی گفت، آنچه پطرس در اعمال رسولان باب ۲ نقل می‌کند، وقتی روح القدس نازل شود، پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد.

این روح بود که قوم خدا را توانمند می‌ساخت. پس چگونه این موارد را کنار هم قرار دهیم؟ خب، لوقا قصد دارد بر یک جنبه از کار روح تأکید کند. او جنبه‌های دیگر را انکار نمی‌کند.

او منکر گرویدن به مسیح نیست. من معتقدم که او در واقع آنها را در آیات ۲:۳۸ و ۲:۳۹ به هم ربط می‌دهد. اما او به طور خاص در مورد قدرت شهادت و این توانمندسازی نبوی صحبت خواهد کرد.

پطرس در این خطبه آغازین در اعمال رسولان، آن را اینگونه تفسیر می‌کند. در خطبه آغازین عیسی در انجیل لوقا، این نیز به توانمندسازی برای مأموریت مربوط می‌شود، اگرچه او متن متفاوتی را برای آن در نظر می‌گیرد. بنابراین، تأکید لوقا بر این خواهد بود، نه اینکه بگوید او چیزهای دیگر را انکار می‌کند، نه اینکه بگوید او هرگز در مورد چیز دیگری صحبت نمی‌کند.

در اعمال رسولان ۱۳، مردم از روح القدس پر می‌شوند و وقتی از روح القدس پر می‌شوند، سرشار از شادی می‌شوند. بنابراین، روح القدس می‌تواند با چیزهای مختلفی مرتبط باشد، اما به‌ویژه با توانمندسازی برای مأموریت. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا این اتفاق همیشه در زمان گرویدن رخ می‌دهد یا گاهی اوقات

می‌تواند پس از گرویدن رخ دهد؟ خب، از نظر اصول الهیاتی، من معتقدم که این اتفاق در زمان گرویدن رخ می‌دهد.

ما به کل مجموعه کار روح دسترسی پیدا می‌کنیم. اما در عمل، خب، در اصل، طبق گفته پولس، همه ما در زمان تبدیل شدن به مسیح نسبت به گناه مرده‌ایم. اما در عمل، برخی از ما در زمان‌های مختلف، این را بیشتر به خود اختصاص می‌دهیم.

من فکر می‌کنم وقتی یحیی تعمید دهنده در مورد تعمید در روح صحبت می‌کرد، کل حوزه کار روح را در عصر آینده تصور می‌کرد. و بخش‌های مختلف عهد جدید بر جنبه‌های مختلف آن تمرکز دارند. و کلیساهای مختلفی دارید که بر جنبه‌های مختلف آن تمرکز می‌کنند، و بر بخش‌های مختلفی که بر جنبه‌های مختلف آن تمرکز دارند، تمرکز می‌کنند.

بنابراین، من اینطور نمی‌بینم که این کلیسا درست می‌گوید و آن کلیسا اشتباه می‌کند. من اینطور می‌بینم که خب، ما برای تغییر به روح القدس نیاز داریم. ما همچنین برای توانمندسازی به روح القدس نیاز داریم.

و فکر می‌کنم وقتی از بحث‌های معنایی عبور می‌کنیم، همه ما موافقیم، زیرا اول تیموتائوس به وضوح می‌گوید که قرار نیست وقت خود را صرف بحث در مورد کلمات کنیم. ممکن است بحث در مورد کلمات تا حدودی مفید باشد، اما بیایید به اصل موضوع بپردازیم. تقریباً همه ما موافقیم که ما به نوعی در هنگام توبه، روح القدس را دریافت می‌کنیم و مطمئناً در هنگام توبه به روح القدس دسترسی پیدا می‌کنیم.

فکر می‌کنم تقریباً همه ما موافقیم که پس از گرویدن به مسیح، می‌توانیم با روح القدس تجربیاتی داشته باشیم. در واقع، در کتاب اعمال رسولان، افرادی را می‌بینیم که تجربیات متعددی با روح القدس دارند. پطرس در اعمال رسولان، فصل دوم و آیه چهارم، از روح القدس پر می‌شود.

او در اعمال رسولان فصل چهار و آیه هشت از روح القدس پر شده است. او عضوی از گروهی است که در اعمال رسولان ۴:۳۱ از روح القدس پر شده است. خب، این سه بار اتفاق افتاده است. پولس در ۹:۱۷، پر از روح القدس.

در فصل ۱۳، حدود آیه نهم، دوباره گفته می‌شود که پولس با پر شدن از روح القدس سخن می‌گوید. شاید بهتر باشد به جای بحث در مورد برخی از جزئیات این موضوع، همه ما بیشتر از خدا بخواهیم که روحش را در زندگی ما به کار گیرد. همانطور که در لوقا ۱۱:۱۳ اشاره کردیم، اگر برای روح فریاد بزنیم، اگر عطش خود را برای خدا تشخیص دهیم، اگر تشخیص دهیم که نمی‌توانیم به تنهایی تمام این مأموریت را انجام دهیم، اما قدرت روح القدس در دسترس ماست، او ما را خواهد شنید.

خب، اگر به تاریخ بحث‌های حدود یک قرن گذشته نگاه کنیم، می‌بینیم که انجیلی‌های رادیکال اواخر قرن نوزدهم بر همه این موارد تأکید داشتند. آنها برای تعمید در روح دعا می‌کردند. چه با اصطلاحات یا نامگذاری آنها موافق باشید چه نباشید، نگران آن نباشید.

آنها برای چیزی نیکو دعا می‌کردند. آنها برای نزول روح دعا می‌کردند. بسیاری نیز در همین رابطه برای چیزی که آن را زبان‌های تبلیغی می‌نامیدند، دعا می‌کردند.

آنها گفتند، ببینید، ما باید به جهان بشارت دهیم. این یک وظیفه غیرممکن است. چگونه می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟ برای این کار به قدرت روح القدس نیاز داریم.

و چرا دو سال را صرف یادگیری زبانی کنیم وقتی خدا می‌تواند آن را به طور معجزه‌آسا به ما عطا کند؟ بنابراین، آنها برای زبان‌های تبلیغی دعا می‌کردند. و برخی از افرادی که برای این دعا می‌کردند، به کسانی تبدیل شدند که ما آنها را پنطیکاستی‌های اولیه می‌نامیم. اینها افرادی بودند که به دنبال زبان‌های تبلیغی بودند.

آنها برای نزول روح دعا می‌کردند. آنها برای توانمندسازی برای مأموریت توسط روح دعا می‌کردند. و آنها شروع به دعا به زبان‌ها کردند و بسیار هیجان‌زده بودند.

آنها به کشورهای خارجی رفتند و زبان‌های تبلیغی خود را امتحان کردند. و در بیشتر موارد، چند مورد استثنا وجود داشت، در بیشتر موارد، هیچ کس نمی‌فهمید چه می‌گویند. و آنها به شدت ناامید شدند، به خصوص که بیشتر آنها بلیط یک طرفه خریده بودند.

خب، پنطیکاستی‌های اولیه همانطور که در اول قرن‌های ۱۴ آمده است، زبان‌ها را برای دعا حفظ کردند، اما اکثر آنها ایده زبان‌های تبلیغی را کنار گذاشتند. اما من فکر می‌کنم که آنها در واقع چیزی واقعی در مورد ارتباط موجود در اعمال رسولان در ابتدا تشخیص داده بودند. لوقا بر قدرت روح‌القدس برای صحبت کردن از جانب خدا در میان موانع فرهنگی تأکید می‌کند.

بنابراین، زبان‌ها نشانه‌ی دلخواهی نبود. چه نشانه‌ی بزرگتری از این می‌توانست از جانب خدا به بندگان داده شود که بتوانند خدا را به زبان‌های دیگران پرستش کنند؟ بنابراین، پنطیکاستی‌ها و دیگران گاهی اوقات بحث می‌کنند که آیا زبان‌ها گواه این توانمندسازی هستند؟ و پنطیکاستی‌های کلاسیک می‌گویند بله، و اکثر مردم دیگر می‌گویند نه. اما اگر از این سوال که آیا آنها گواه این توانمندسازی برای هر فرد هستند، عبور کنیم، بسیاری از ما خواهیم گفت نه.

در باب هشتم اعمال رسولان، به زبان‌ها اشاره نشده و غیره، اما در هر صورت این موضوع مورد بحث است. اما اشکالی ندارد. هر دیدگاهی که در مورد آن دارید، چه بگوییم که برای هر فردی گواه است، و از آنجایی که من به شما گفتم که برای هر فردی نیست، فکر نمی‌کنم که برای هر فردی مستلزم آن باشد.

، بگذارید فقط این را هم بگویم، از آنجایی که من همین الان هم در شرایط سختی هستم، مثلاً از طرف دیگر، خودم به زبان‌ها دعا می‌کنم. و حالا برگردیم به طرف دیگر، برای آن دسته از شما که مخالف این هستید در مورد من بد فکر نکنید، چون من عمداً این کار را نکردم. این اتفاق فقط دو روز پس از تغییر مذهبم برای من افتاد.

من چیزی در موردش نشنیده بودم. تازه در زندگی من شروع شد و از آن زمان تاکنون آن را انجام می‌دهم. اما وقتی برای اولین بار شروع شد، نمی‌دانستم چیست.

خدا این کار را برای من انجام داد. اما مثلاً همسرم به زبان‌ها دعا نمی‌کند. بنابراین، زبان‌ها گواه این توانمندسازی است.

من آن را لزوماً به عنوان شاهی بر هر فردی که آن را دریافت می‌کند نمی‌بینم، بلکه به عنوان شاهی بر ماهیت این تجربه می‌بینم. بله، این گواه ماهیت تعمید در روح‌القدس است، که این توانمندسازی برای خدمت بین فرهنگی است، و اینکه خداوند به کلیسای خود قدرت داده است که همه ما باید از موانع فرهنگی عبور کنیم. بنابراین، اگر به زبان‌ها دعا کنیم یا نه، اگر نتوانیم فراتر از مرزهای قومی یا نژادی با دیگران آشتی کنیم، این در مورد ما چه می‌گوید؟ خب، این همان جایی است که اعمال رسولان فصل ۲ ما را به آنجا می‌برد.

قوم پنطیکاست. اعمال رسولان فصل ۲ آیات ۵ تا ۱۳ درباره یهودیان پراکنده از هر ملتی در زیر آسمان صحبت می‌کند. این، مأموریتی را که در ۸:۱ درباره آن صحبت شد، پیشگویی می‌کند، درست مانند مأمور دربار آفریقا در اعمال رسولان ۸، درست مانند مأموریتی که در اعمال رسولان فصل ۲۸ به روم می‌رسد.

و اینجا، مانند هر جای دیگر، احتمالاً با یک توهم کتاب مقدسی دیگر مواجه هستیم. فهرستی از ملت‌ها در اعمال رسولان فصل ۲ آیات ۹ تا ۱۱ وجود دارد. خب، یهودیانی که این را می‌شنوند، یا افرادی که کتاب مقدس را می‌شناختند و این را شنیده‌اند، ممکن است به اولین فهرست ملت‌ها، فهرست ملت‌ها در پیدایش فصل ۱۰، فکر کنند.

و اگر واقعاً در ریاضی خوب هستید، می‌دانید که فصلی که بلافاصله پس از پیدایش ۱۰ می‌آید، پیدایش ۱۱ است، جایی که خدا نازل می‌شود تا زبان‌ها را پراکنده کند. خب، اینجا روح نازل می‌شود و زبان‌ها را پراکنده می‌کند، اما این بار نه برای اینکه مردم را مانند بابل از هم جدا کند، بلکه این بار روح نازل می‌شود و زبان‌ها را پراکنده می‌کند تا یک وحدت بین فرهنگی جدید را برای بدن مسیح به ارمغان بیاورد. حال، با بازگشت به آنچه قبلاً در مورد آن صحبت کردم، در مورد پنطیکاستی اولیه، این اتفاق در زمینه بسیاری از احیای‌های مختلف قبلاً در مورد آن رخ داد.

احیای ولز تأثیر چشمگیری داشت. همچنین، پرورشگاه پاندیتا رامابای در هند، فوران چشمگیر روح بود. این اتفاق تقریباً همزمان در نقاط مختلف جهان به طور مستقل در حال رخ دادن بود.

احیای کره‌ای اندکی پس از این اتفاق افتاد. بنابراین، خدا تقریباً همزمان در میان گروه‌های مختلف مسیحیان کارهای متفاوتی انجام می‌داد. همچنین در کلیسای کاتولیک دعایی وجود داشت که در آن دعا می‌کردند قرن بعدی، قرن نزول روح القدس باشد.

بنابراین، ما آن را از زوایای مختلفی می‌بینیم، اما خیابان آروسا، بیداری‌ای که به خیابان آروسا گسترش یافت، جایی است که بیداری اولیه پنطیکاستی واقعاً بین‌المللی شد. مردم از ملل مختلف می‌آمدند و مبلغان زیادی به آنجا می‌آمدند. در لس‌آنجلس، گروه‌های مردمی مختلفی وجود داشتند.

فردی که آن را رهبری می‌کرد ویلیام سیمور بود، یک آمریکایی آفریقایی‌تبار که از والدینی زاده شده بود که در بردگی متولد شده بودند. خب، برخی از افرادی که آنجا بودند گفتند که خط رنگ پوست با خون شسته شده است. در ایالات متحده، تعصب قومی بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان وجود داشت.

سیمور این را، درک خاصش از زبان‌ها و غیره را، به خصوص از چارلز پرهام دریافت کرده بود. چارلز پرهام مربی سفیدپوست او بود، اما پرهام از پیشینه کلیسایی متفاوتی نسبت به سیمور برخوردار بود. سیمور از پیشینه‌ای آمده بود که در آن، آنها هیجان خود را به روش‌های بسیار بلند به خدا ابراز می‌کردند.

پرهام از یک سنت کلیسایی متفاوت می‌آمد که خیلی ساکت بودند. وقتی روح القدس بر شما نازل می‌شد، خیلی ساکت می‌شدید. و خدا می‌تواند به هر دو صورت عمل کند، درست است؟ اما اتفاقی که افتاد این بود که چارلز پرهام به مأموریت خیابان آروسا آمد و سعی کرد آن را به دست بگیرد و سیمور به او اجازه نداد.

و پرهام بیرون رفت و از آنچه در خیابان آروسا اتفاق می‌افتاد شکایت کرد. و یکی از راه‌هایی که او از آن شکایت کرد، این بود که گفت این چیزی جز یک جلسه‌ی اردوی تاریک نیست. این یک روش بسیار نژادپرستانه برای محکوم کردن آنچه در خیابان آروسا اتفاق می‌افتاد بود.

و سیمور تأکیدش را تغییر داد. سیمور هنوز به زبان‌ها به عنوان امری ارزشمند اعتقاد داشت. او هنوز به بسیاری از چیزهایی که قبلاً به آنها اعتقاد داشت، اعتقاد داشت، اما حالا تأکید دیگری اضافه کرد که واقعاً در روایت پنطیکاست وجود دارد، یعنی روح القدس و آشتی قومی.

زیرا او گفت، چگونه می‌توانید واقعاً روح را داشته باشید و برادر و خواهر خود را فراتر از خطوط نژادی دوست نداشته باشید؟ وقتی واقعاً تسلیم روح شویم، روح ما را فراتر از تعصب نژادی، فراتر از تعصب قومی، فراتر از تعصب طبقاتی، فراتر از تعصب طبقاتی خواهد برد. روح ما را متحد خواهد کرد تا بتوانیم به عنوان شریک در مأموریت رساندن مسیح به جهان، برای خدا صحبت کنیم و برای خدا کار کنیم. سپس به پیشگویی پنطیکاست در فصل دوم، آیات ۱۷ تا ۲۱ می‌رسیم.

خب، پطرس می‌گوید آنچه آنها گفتند، آنچه شما از شاگردان شنیده‌اید که به زبان‌ها صحبت می‌کردند، این پیشگویی یوئیل در مورد توانمندسازی نبوی را محقق می‌کند. او از یوئیل نقل قول می‌کند، اما برخی از کلمات را که در تفسیر یهودی رایج بود، تطبیق می‌دهد. شما می‌توانید کلمات را برای رساندن منظور خود تطبیق دهید.

در یوئیل، گفته شده بعداً. در واقع گفته نشده در روزهای آخر، اما پطرس کمی از این عبارت استفاده کرده است، زیرا در متن یوئیل، به یوئیل ۳.۱ می‌روید. در مورد زمانی صحبت می‌کند که خدا بخت و اقبال قوم خود اسرائیل را بازی گرداند. بنابراین، این در زمینه احیای قوم خدا بود.

بنابراین، منظور از «بعد از آن» در روزهای آخر بود. بنابراین، پطرس می‌گوید، در روزهای آخر، خدا می‌گوید، من روح خود را بر همه مردم خواهم ریخت. خب، این همان چیزی بود که تازه اتفاق افتاده بود.

پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد. این امر از موانع جنسیتی نیز فراتر می‌رود. خداوند هم مردان و هم زنان را توانمند خواهد ساخت تا مژده عیسی را اعلام کنند.

و بعد پیرمردان و جوانان، این از موانع سنی فراتر می‌رود. آنها خواب و رؤیا خواهند دید. خب، چه کسی در عهد عتیق خواب و رؤیا داشت؟ مخصوصاً پیامبران، نه منحصرأ، بلکه به طور خاص پیامبران.

و سپس پطرس جمله‌ی دیگری اضافه می‌کند، زیرا گفته شده است: «پسران و دختران شما بر غلامان و کنیزان نبوت خواهند کرد. من روح خود را خواهم ریخت.» و سپس جمله‌ی دیگری اضافه می‌کند: «و آنها «نبوت خواهند کرد».

خب، یوئیل قبلاً به نبوت اشاره کرده است، اما پطرس دوباره به آن اشاره می‌کند. او می‌خواهد مطمئن شود که شما نکته اصلی را از دست نمی‌دهید. این همان روحی است که به پیامبران قدیم قدرت می‌بخشید.

اکنون همان روح، ما، قوم خدا را توانمند می‌سازد. و ضمناً، وقتی او در مورد خدمتکاران مرد و زن صحبت می‌کند، تنها جای دیگری که کلمه خدمتکار زن استفاده می‌شود، برای مریم در فصل اول لوقا است، زمانی که روح بر او نازل می‌شود و او روح را دارد که باعث می‌شود عیسی در درون او باردار شود. بنابراین، این در واقع دومین تجربه او با روح است، اما او همچنین کنیز خداوند نامیده می‌شود.

بنابراین، او به نوعی الگوی کلیسا در روز پنطیکاست می‌شود، زیرا خدا روح خود را جاری می‌کند، تسلیم خدا می‌شود، مایل است توسط خدا به هر طریقی که او می‌خواهد از ما استفاده کند، مورد استفاده قرار گیرد. و سپس او در ادامه از یوئیل نقل قول می‌کند که در مورد نشانه‌هایی در آسمان و زمین صحبت می‌کند، اما کلمه شگفتی‌ها را اضافه می‌کند. خب، چرا؟ زیرا او می‌خواهد بر نشانه‌های روی زمین تأکید کند.

هنوز همه چیزهایی که یوئیل از آنها صحبت کرده اتفاق نیفتاده است، اما زمان تحقق آن فرا رسیده است. به همین دلیل است که در آیه ۲۳، به محض اینکه نقل قول از یوئیل تمام می‌شود، ببخشید، آیه ۲۲، به محض اینکه نقل قول از یوئیل تمام می‌شود، از عیسی ناصری صحبت می‌کند، مردی که توسط خدا منصوب شده بود و معجزات و شگفتی‌ها و آیاتی را در میان شما انجام داد. و البته، شما نشانه‌های مرگ عیسی را داشتید، با تبدیل شدن خورشید به تاریکی و غیره.

بنابراین، او در ادامه به نقل قولی از یوئیل می‌پردازد که می‌گوید، هر که نام خداوند را بخواند و در یوئیل، این است هر که به نام یهوه بخواند، هر که به نام خدا بخواند نجات خواهد یافت. او نقل قول را در اینجا قطع می‌کند، اما هنوز به یوئیل فکر نمی‌کند زیرا بعداً در آیه ۳۹، دوباره با بخشی از جایی که آن جمله در یوئیل آمده بود، ادامه می‌دهد. یوئیل در ادامه می‌گوید، به هر کسی که خداوند خدای ما او را خواهد خواند

و پطرس در پایان پیامش ادامه می‌دهد و می‌گوید، پسران و دختران شما، همه کسانی که دور هستند، هر که خداوند خدای ما او را بخواند. بنابراین، او هنوز به یوئیل فکر می‌کند. او مانند یک مترجم خوب یهودی با می‌دراش عمل می‌کند.

او آخرین جمله‌ای را که نقل کرده است، برمی‌دارد و توضیح می‌دهد. خواندن نام خداوند به چه معناست؟ اکنون دوران نجات است. اکنون دوران روح ریخته شده است.

اکنون دوران توانمندسازی نبوی است. خب، بنابراین دورانی است که هر کسی که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. این روزهای آخر است.

و البته، ما می‌دانیم که این موضوع امروز برای ما صادق است، زیرا اگر آن زمان روزهای آخر بود، اکنون دیگر خیلی زودتر نیست. خدا در آن زمان روح را نازل نکرد و بعداً روح را برگرداند. اما منظور از اینکه هر کسی که به نام خداوند بخواند نجات خواهد یافت چیست؟ خب، ما به عنوان پیامبران آخرالزمان برای مسیح قدرت یافته‌ایم.

شما کتاب اعمال رسولان را بررسی می‌کنید. در آن درباره کلام خداوند صحبت می‌شود که در عهد عتیق می‌تواند به معنای تورات باشد. همچنین می‌تواند به معنای پیام نبوی باشد.

برای ما نیز در کتاب اعمال رسولان، همانطور که آنها انجیل و قدرت روح را منتقل می‌کنند، این کلام خداوند است. بنابراین، شما افرادی را در کتاب اعمال رسولان دارید که نبوت می‌کنند. اما حتی زمانی که ما انجیل را با مردم به اشتراک می‌گذاریم، و در واقع، این تأکید لوقا است.

وقتی انجیل را با مردم به اشتراک می‌گذاریم، می‌توانیم اعتماد کنیم که روح خدا با این مردم درباره مسیح صحبت می‌کند، بنابراین می‌توانیم اعتماد کنیم که اگر خدا قلب آنها را لمس می‌کند، خدا از طریق این انجیل قلب آنها را لمس می‌کند، خدا از ما به این طریق استفاده می‌کند. و همه مؤمنان می‌توانند این قدرت را بپذیرند و انتظار داشته باشند که خدا از طریق ما صحبت کند، تا مژده مسیح را به مردم برساند. خب، در هر صورت، در مورد «سخنان همه بشر»، احتمالاً این نقل قول در یوئیل است، اما احتمالاً پطرس حتی متوجه پیامدهای آن نمی‌شود زیرا مدتی طول می‌کشد تا او به غیریهودیان فکر کند.

اما موعظه پنطیکاست، حالا او می‌خواهد این متن را توضیح دهد. او نقل قول یوئیل از یوئیل ۲:۳۲ را قطع می‌کند و سپس نقل قول یوئیل، بقیه ۲:۳۲ را در انتهای موعظه‌اش در آیه ۳۹ برمی‌دارد. و بین آیات ۲۱ و ۳۹، او توضیح می‌دهد که در آیه ۲۱ چه چیزی را نقل کرده است، ۳۹.

نام خداوند چیست؟ نام یهوه که باید برای نجات به آن متوسل شد چیست؟ خب، در قالب میدراش‌های خوب یهودی، او برخی متون را بر اساس کلمات کلیدی مشترک به هم پیوند می‌دهد. این متن توسط خاخام‌های بعدی «چِر هَشاوا» نامیده می‌شود. او این متون را بر اساس کلمات کلیدی مشترک به هم پیوند می‌دهد.

او دو متن از مزامیر را به هم پیوند می‌دهد. او می‌گوید، بسیار خوب، خداوند در دست راست پدر است. ما شاهد هستیم که عیسی قیام کرده و او متعالی شده است.

خب، آن که قیام کرده در دست راست خداست، مزمور ۱۶ می‌گوید، و آن که در دست راست خداست مزمور ۱۱۰ می‌گوید، خداوند است. و بنابراین، خواندن نام خداوند به چه معناست؟ می‌توانید نام خداوندی را که در دست راست خداوند است، بخوانید. و نام آن کسی که قیام کرده و تعالی یافته، عیسی است.

بنابراین، اینگونه است که شما نام خداوند الهی را می‌خوانید. او در اعمال رسولان ۲:۳۸ می‌گوید، توبه کنید و به نام عیسی مسیح تعمید بگیرید. بنابراین، این اولین موعظه مسیحی بود که از قبل اذعان می‌کرد که عیسی الهی است، که عیسی یهوه است.

حالا اینجا، پطرس این را مطرح می‌کند و در آیه ۲:۳۷ از پطرس پرسیده شده است که برای نجات چه باید بکنیم؟ پطرس می‌گوید، توبه کنید و غسل تعمید بگیرید. این یک چیز اساسی برای یهودیان بود که غسل تعمید بگیرند. و آنها تصاویر آیینی معمول خود را داشتند، اما وقتی یک نوع بازگشت یک‌باره بود، کاملاً متفاوت بود.

توبه یادآور زبان انبیای عهد عتیق است. گاهی اوقات مردم گفته‌اند، خب، این فقط یک تغییر ذهن است. تغییر نحوه تفکر در مورد این موضوع. اما واقعاً چیزی بیش از این بود.

شما نمی‌توانید یک کلمه را بردارید و آن را به اجزای تشکیل‌دهنده‌اش تقسیم کنید و بگویید، معنی‌اش این است. کلمه به همان شکلی که استفاده می‌شود، معنی می‌دهد. و این کلمه در واقع نحوه‌ی استفاده از آن در عهد جدید را تداعی می‌کند، به خصوص زبان پیامبران عهد عتیق را وقتی که در مورد اسرائیل صحبت می‌کنند. و به خدا روی می‌آورند، تداعی می‌کند.

بنابراین، او آنها را به بازگشت فرا می‌خواند. و هنگامی که آنها را به تعمید فرا می‌خواند، هنگامی که غیریهودیان به یهودیت روی می‌آوردند، در آب غوطه‌ور می‌شدند. این فقط در ادبیات یهودی گزارش نشده است.

همچنین توسط برخی از غیریهودیان که از این دوره از این موضوع مطلع بودند، گزارش شده است که یهودیان انتظار داشتند غیریهودیان در آب تعمید بگیرند. بنابراین، این کار خیلی سختی نخواهد بود. آنها در سراسر معبد حوضچه‌های غوطه‌وری داشتند زیرا مردم مرتباً تصاویر آیینی را انجام می‌دادند.

در واقع، آنها معمولاً این کار را برهنه انجام می‌دادند. بنابراین، مردان به یک مکان و زنان به مکان دیگری می‌رفتند و مردم خودشان را در آب فرو می‌بردند و سپس بیرون می‌آمدند. اما در کوه معبد آب زیادی وجود داشت.

مشکلی نیست. اما وقتی او آنها را به تعمید فرا می‌خواند، این فقط یک تطهیر آیینی معمولی قبل از ورود به معبد نیست. این با نوعی توبه، بازگشت به سوی خدا، همراه است.

این نوع خاصی از روی آوردن است که در آن شما تمام زندگی خود را به خدا می‌سپارید. او با آنها طوری رفتار می‌کند که گویی آنها را دعوت می‌کند تا به سوی خدا بیایند. او آنها را فرا می‌خواند تا با همان شرایطی که غیریهودیان دارند، به سوی خدا بیایند، به این معنی که هیچ یک از ما نمی‌توانیم صرفاً به اصل و نسب خود تکیه کنیم.

من در یک خانواده مسیحی بزرگ نشدم، اما برای افرادی که در خانواده‌های مسیحی بزرگ شده‌اند، ما نمی‌توانیم فقط به ایمان والدینمان تکیه کنیم. ما نمی‌توانیم فقط به ایمان پدر بزرگ و مادر بزرگمان تکیه کنیم. خوب است که آنها آن ایمان را دارند.

اما همانطور که در روز پنطیکاست، آنها نمی‌توانستند تکیه کنند. ما به قوم برگزیده تعلق داریم. همه ما باید با ایمان به مسیح به سوی خدا بیاییم.

همه ما باید به مسیح اعتماد کنیم. حال، وقتی پطرس می‌گوید توبه کنید و تعمید بگیرید، نحوه بیان این توبه بسیار جالب است زیرا سوالی که آنها می‌پرسند این است که برای نجات چه باید بکنیم؟ این سوالی است که در جای دیگری از لوقا دهم پرسیده می‌شود. حاکم ثروتمند را در لوقا فصل ۱۸ به یاد بیاورید. او می‌گوید برای داشتن حیات جاودان چه باید بکنم؟ عیسی می‌گوید، هر چه داری بفروش و به فقرا بده، که عیسی همچنین در ۱۲:۳۳ و به ویژه ۱۴:۳۳ به شاگردانش گفت، در مورد تسلیم منابع خود برای خیر پادشاهی صحبت کرد.

اگر واقعاً به سوی خدا روی می‌آورید، پس هر آنچه دارید و هر آنچه هستید، می‌خواهید از آن برای اهداف خدا استفاده کنید. این به آن معنا نیست که هر چیزی که همه به شما می‌گویند برای اهداف خداست، بلکه به این معناست که می‌خواهید زندگی خود را وقف اهداف خدا کنید. در اینجا او می‌گوید، وقتی از شما می‌پرسند چه باید بکنید، توبه کنید و تعمید بگیرید.

در فصل ۱۶ اعمال رسولان، زندانبان فیلیپی می‌گوید، برای نجات چه باید بکنیم؟ پولس می‌گوید، به خداوند عیسی ایمان بیاور و تو و خانواده‌ات نجات خواهید یافت. حال، در هر مورد، پاسخ تا حدودی متفاوت است، اما همه آنها به هم مرتبط هستند. زیرا اگر واقعاً به عیسی ایمان داشته باشیم، واقعاً هر آنچه هستیم و داریم را به عیسی وابسته کرده‌ایم.

چرا باید بخواهیم چیزی را برای خودمان نگه داریم؟ عیسی زندگی ما را نجات می‌دهد. او فقط ما را از مجازات گناه نجات نمی‌دهد، بلکه ما را از گناه نجات می‌دهد.

او ما را از سرکشی‌مان نجات می‌دهد. او ما را به رابطه‌ای با خودش وارد می‌کند. ما از دشمنی با خدا، به بودن در کنار خدا، به خدمت به خدا تبدیل می‌شویم.

ما واقعاً می‌خواهیم به او خدمت کنیم. ما واقعاً می‌خواهیم او را خشنود کنیم. حال، دوباره، اگرچه در اصل ما در هنگام توبه از گناه مرده‌ایم، اما همه این را به یکباره تجربه نمی‌کنند.

گاهی اوقات مدتی طول می‌کشد تا در ارتباط با روح القدس رشد کنیم، اما در نهایت این چیزی است که ما می‌خواهیم. و این چیزی است که جامعه اینجا تجربه می‌کرد. و این خیلی واضح بیان شده است.

همانطور که قبلاً اشاره کردم، در آیه ۲:۴۱ بشارت مؤثر وجود دارد. همانطور که قبلاً اشاره کردم، در آیه بشارت مؤثر از طریق شیوه زندگی جامعه وجود دارد. و ما تحول در جامعه را در نحوه برخورد آنها با ۲:۴۷ یکدیگر می‌بینیم. آنها با هم عبادت می‌کنند.

آنها با هم غذا می‌خورند. آنها از خانه‌ای به خانه دیگر با هم غذا می‌خورند. این رفاقت است.

این راهی برای بیان یک رابطه‌ی مبتنی بر عهد و پیمان بود. برای مثال، در یک داستان یونانی، در مورد چگونگی آماده شدن دو جنگجو از دو جبهه‌ی مخالف برای جنگ با یکدیگر صحبت می‌شود. آنها آماده می‌شوند تا با یکدیگر بجنگند.

و بعد آنها کشف کردند که پدر این یکی، سال‌ها پیش پدر این یکی را در یک ضیافت پذیرایی کرده است. خوب، این به آن معنی بود که بین پدرانشان و بنابراین بین خودشان یک رابطه‌ی پیمانی وجود داشته است. غذا خوردن با هم به معنای به اشتراک گذاشتن پیمان بود.

به همین دلیل است که فریسیان وقتی عیسی با گناهکاران غذا می‌خورد تا آنها را به جمع خود بیاورد، بسیار ناراحت شدند. اما اینجا مؤمنان با هم غذا می‌خورند. این نشانه‌ای از پیمان و مشارکت است که شاید گاهی اوقات در فرهنگ‌های مختلف به روش‌های مختلفی بیان شود، اما وحدت با هم است.

و با هم دعا می‌کنند. آنها به دعا با هم ادامه می‌دهند. و در قلب این موضوع در آیات ۴۴ و ۴۵، و ما می‌دانیم که این مهم است زیرا در نزول بعدی روح در فصل چهارم، این اتفاق دوباره رخ می‌دهد.

اما یکی از نتایج فوران روح، دارایی‌های مشترک بود، ۲۴۴ و ۴۵. آنها حاضر بودند برای یکدیگر فداکاری کنند. و این بدان معنا نیست که آنها بلافاصله تمام کالاهای خود را فروختند و به خیابان رفتند.

اما همانطور که در فصل چهارم توضیح داده شده است، این بدان معناست که هر زمان کسی نیازمند بود، آنچه را که داشت برای رفع نیازهایش می‌فروخت. نه اینکه دارایی بد بود، بلکه آنها برای انسان بیش از دارایی ارزش قائل بودند. و اگر ما منابعی داریم، به جای کسب چیزهایی که ممکن است با گذشت زمان ارزش خود را از دست بدهند، چرا همانطور که عیسی، پروردگارمان، گفت عمل نکنیم و گنج خود را در آسمان ذخیره نکنیم، که به معنای سرمایه‌گذاری روی مردم، سرمایه‌گذاری روی چیزهایی است که برای خدا مهم است، و استفاده از منابعمان برای پادشاهی است.

این کاری است که کلیسای اولیه انجام داد. گاهی اوقات می‌خواهیم در مورد ریزش روح به روش‌هایی صحبت کنیم که بیشتر خودمحور هستند، اما ریزش روح در کتاب اعمال رسولان، به ویژه هنگامی که روح در جامعه ریخته شد، بر مؤمنان به عنوان یک گروه ریخته شد، به این معنی بود که آنها با خبر خوب به دیگران کمک کردند. و همچنین به این معنی بود که آنها این را با عشق به یکدیگر ابراز کردند.

نزول روح القدس به طرق مختلفی بیان می‌شد. گاهی یک کلیسا بر یکی تأکید می‌کند، گاهی یک کلیسا بر دیگری. بیایید به تمام آنچه کتاب مقدس در مورد نزول روح می‌گوید، بپردازیم.

و بنابراین، به هدف پنطیکاست می‌رسیم. ما شاهد گرویدن‌هایی هستیم که به دنبال آن شاگردی می‌آید. مردم در دعا و آنچه می‌توانیم مطالعه کتاب مقدس بنامیم، شرکت کردند.

در متن، این آموزه رسولان است، اما ما آن را در مطالعه کتاب مقدس در دسترس داریم. وقتی در مورد آنچه خدا گفته است صحبت می‌کنیم، نمی‌گوییم که این تمام چیزی است که خدا تا به حال گفته است. منظورم این است که در اول پادشاهان، فصل ۱۸، عوبدیا می‌گوید که او صد پیامبر را در غاری پنهان کرد.

ما پیشگویی‌های آنها را ثبت شده نداریم. تمام این پیشگویی‌ها در کلیساهای خانگی عهد جدید، ما آن پیشگویی‌ها را برای خودمان در کتاب مقدس ثبت نکرده‌ایم. کتاب مقدس تمام آن چیزی نیست که خدا به کسی گفته است.

روح خدا به همراه روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم. ما نام تک تک افرادی که در کتاب حیات هستند را به صورت جداگانه در کتاب مقدس نداریم. این تمام چیزی نیست که خدا تا به حال گفته است، اما این کتاب، مجموعه کامل کتاب مقدس است.

این معیار سنجشی است که ما با آن هر چیز دیگری را قضاوت می‌کنیم. پیامی که خدا به ما داده است، در طول زمان آزمایش شده است، پیام پیامبران، بسیاری از پیامبران در زمان ارمیا، اما بیشتر آنها دروغین از آب درآمدند. نبوت ارمیا با گذشت زمان آزمایش شد.

پیشگویی او به حقیقت پیوست. بنابراین، ما پیام این رسولان و پیامبران مقدس را که در کتاب مقدس به ما داده شده است، داریم. و بنابراین، می‌توانیم آن را مطالعه کنیم و این ما را در مسیر رابطه خود با خدا نگه می‌دارد.

بنابراین همانطور که آنها دعا و مطالعه کتاب مقدس یا دعا و تعلیمات رسولی انجام می‌دادند، ما می‌توانیم بسیاری از آن تعلیمات رسولی را از مطالعه کتاب مقدس به دست آوریم. همچنین، شما شاهد مداوم با نشانه‌هایی داشتید که در اعمال رسولان فصل دوم ذکر شده است. و نمونه‌ای از آن را در اعمال رسولان فصل سوم می‌بینید.

آنها در راه دعا هستند و خدا نشانه‌ای نشان می‌دهد. اما این فقط نشانه‌های چشمگیری نیست که ما اغلب به آنها فکر می‌کنیم. منظورم این است که شما این چیزها را دارید.

ما در روز پنطیکاست در مورد آنها صحبت کردیم، اما شما نه تنها عطایای روح، بلکه میوه روح را نیز دارید. مردم از دارایی‌های خود دست کشیدند زیرا برای یکدیگر بیش از اموال خود ارزش قائل بودند و کلیسا به رشد خود ادامه داد. بنابراین، میوه روح، زندگی ما توسط روح دگرگون می‌شود.

خداوند ما را با روح خود توانمند می‌سازد تا از موانع فرهنگی عبور کنیم، او را بپرستیم، و یک جامعه جدید. چندفرهنگی از پرستندگان متعهد به مسیح و یکدیگر تشکیل دهیم.

من دکتر کریگ کینر هستم در حال تدریس در مورد کتاب اعمال رسولان. این جلسه هفتم، اعمال رسولان فصل‌های اول و دوم است.